

جنبش بردگان زنگی در جنوب

یکی از بزرگترین جنبشهای طبقاتی در ادوار اسلامی قیام زنگیان جنوب است که در سده سوم هجری بوجود آمد. چنانکه خواهیم دید میلیونها افراد سیاهپوست که در سواحل شمال و شرق خلیج فارس زیر شدیدترین فشارها و وحشیانه ترین استثمارها بسر میبردند برای بدست آوردن جزئی از حقوق انسانی خویش بیباکانه و پانزده سال سایه نکتیبار حکومت عباسی را از سر خود دور ساختند ولی با همه مشقتها ورنجها که تحمل کردند با دو میلیون ونیم کشته که دادند، باز هم در اثر عدم رهبری صحیح و نبودن نقشه منظم و تاکتیک درست و نداشتن هدف روشن، این قیام مقدس شکست خورد و این شعله فروزان خاموش گردید.

۶۸۱

اینک من در این سلسله مقالات کوشش خواهم کرد چگونگی این جریان را که کمتر در دسترس عموم است با تجزیه و تحلیل ناقص در اختیار خوانندگان محترم بگذارم.

بخش اول: علل و شرایط زمانی و مکانی جنبش

الف: مردم خاورمیانه اندکی پیش از اسلام و پس از آن. ب: توضیحاتی چند در باره وضع جغرافیائی منطقه جنبش ج: توضیحاتی چند درباره برخی وقایع تاریخی مربوط و مؤثر در جنبش. د: سازمانت و دستگاه رهبری جنبش.

الف) مردم خاورمیانه، اندکی پیش از اسلام تا زمان انتشار و تسلط آن: در دوره ساسانیان مردم شهرهای کوچک و دهات در کشور ایران و عراق و شام بیشتر از بندگان بودند و کشاورزان غالباً از طبقه قن (۱) بشمار میآمدند. و سایر مردم

(۱) - قن آن برده را میگویند که در کشت زارها کار کند و بزمین وابسته باشد، چنانکه اگر زمین او از دست مالک بدست دیگری منتقل گردد، یا باقطاع داده شود، و یا بدست فاتحی گشوده گردد، این برده نیز تابع زمین بملکیت او باقی بماند. چنین برده را امید آزادی نبوده، مالک نیز نه حق آزاد کردن و نه حق فروختن او را (جدا از زمین) میداشته است او تا زند بود و فرزندان او پس از وی برده مالک زمین یا صاحب تیول بودند. تاریخ تمدن جرجی زیدان (ج ۴ - ص ۴۶) و میتوان آنرا با کلمه «سرف» که در اروپا استعمال میشده است مقایسه نمود.

نیز در زیر فشار اقتصادی طبقات عالیّه و هفت خانواده‌یکه (۱) حکومت را در دست داشتند زندگی میکردند .

و همین شبوه حکومت بود که مردم را باستقبال از قوانین اسلام واداشت. رژیم جدید در آغاز کار آزادی‌های نسبی به مردم میداد، ایشان را از بردگی و «قن» بودن آزاد میکرد. مردمان شهرها که بدست مسلمانان میافتادند، اگر مسلمان میشدند مانند دیگر مسلمانان بودند، و اگر بدین خود میماندند و جزیه میپرداختند با شرایط ذمه با آزادی محدود زندگی میکردند، و هر کس که با مسلمانان جنگیده اسیر میشد برده عربان میکردید . و چون جنگندگان غالباً از سپاهیان بودند که در دوره ساسانی از طبقه آزادان انتخاب میشدند، پس می توان نتیجه گرفت که مسلمانان در آغاز کار بندگان را که اکثریت بودند آزاد میکردند، و آزادانرا که اقلیت بودند برده میساختند . ولی این وضع ادامه نیافت بلکه در اواخر دوره بنی امیه بعضی از خلفا را می بینیم که مردم شهرهای «مفتوح عنوه» گشوده شده را مانند خود شهر ملک طلق خود میشمردند (۲) و بنا بر این عده بردگان دوباره روبروئی نهاد .

افزایش بردگان در اسلام

هر چه فتوحات اسلام بیشتر میگرددید بر شمار بندگان افزوده میگشت به ای مثال : موسی بن نصیر بسال ۹۱ ه در جنگهای آفریقا سیصد هزار اسیر گرفت . و بر طبق قانون مالیات اسلامی خمس آنرا که شصت هزار نفر برده بود برای ولید بن عبدالملک خلیفه فرستاد (۳) و چون موسی بن نصیر از فتح اندلس (اسپانیا) بشام بازگشت سی هزار دختر با کره بکنیزی آورد (۴) ابراهیم غزنوی در جنگهای هندوستان (سال ۴۷۲) صد هزار اسیر بدست آورد (۵) ابراهیم بن یقال در جنگ بارومیاها صد هزار اسیر گرفت (۶)

۶۸۲

پیدااست که این شماره بزرگ اسیران همه در میدان جنگ اسیر نمی گردیدند و بویژه زنان و دختران همه در اردو گاه نبوده اند؛ بلکه لشکر بان اسلام از اواخر سده اول مردم ساکن دهات را نیز باسارت و ملکیت خود در میاوردند .
در سده دوم تا آنجا برده داری رایج بود که هر کس حتی مردم کم چیز نیز يك با چند برده در خدمت میداشتند . هر فرد سپاهی میتواندست چندتن برده داشته باشد. (۷)
عثمان سومین خلیفه با آنسکه در دوره اول ، دوره زهد و تقوی میزیست هزار برده داشت (۸) تا چه رسد بدوره تمدن و ثروت عرب. در دوره بنی امیه هر امیر که از راه میگذشت صدها برده همراهش پیاده میرفتند (۹) . رافع بن هر تمه والی خراسان چهار

۱ - کریستن سن : ایران در زمان ساسانیان ، ترجمه رشید یاسمی .

۲ - تاریخ تمدن جرجی زیدان ج ۵ ص ۲۳ .

۳ - الکامل ابن اثیر ج ۱۳۰۱ ج ۴ ص ۲۵۹ وفتح الطیب

۴ - ابن اثیر : ۴ : ۲۷۲ . (۵) ابن اثیر : ۱۰ : ۴۶ .

۶ - ابن اثیر : ۹ : ۲۲۷ . ۷ - مسعودی : ۲ : ۲۲ و مقریزی

۸ - دمیری : ۴۹ . ۹ - ابن اثیر : ۴ : ۱۴۷

هزار بنده داشت (۱).

کسانی که بردگان بسیار میداشتند، یکی را که زرنگتر بود بر دیگران سروری میدادند و او را استاد میخواندند. گاهی آنقدر عده بردگان فزونی مییافت که مانند سپاه از ایشان استفاده میشد. اخشید حاکم مصر هشت هزار غلام داشت که هر شب ۲۰۰۰ تن از ایشان کلخ وی را نگهبانی میکردند.

اربابان بلامان خود خدمتکاری می آموختند، بخت و پز، لباسشویی، رفتن، فراشی، انبار داری، نظارت بر خرید، دربانی، پارکابی، مهتری و جز آنها. (۲)

برخی از اربابان غلامانرا برای زینت و آرایش مجلس بکار میبردند، انواع پوشش های رنگین و گرانها و زیبا برتن ایشان میکردند. عده می را بکار میگماردند و عده ای را فقط بر پا می ایستانیدند. نخستین کسی که بتربیت غلامان منزل پرداخت امین الرشید بود او تعداد بسیاری غلام را اخته کرد و لباس دختر پوشانید و برای زینت مجالس بکار برد و پس از وی این عادت همه خلفا گردید. در کاخ هارون الرشید سیصد کنیز چنگی و عودزن و دف زن، و قانونگر، و نی نواز، و آواز خوان، و ورقا ص، و سنتور باز وجود داشته که بهای هر یک از هزار تا ده صد هزار دینار زر بوده است (۳) مقتدر عباسی یازده هزار غلام اخته شده رومی و زنگی میداشت (۴)

سیاه و سفید

بطور کلی بردگان بر دو قسم سیاه و سفید بودند سفید پوستانرا از دیلم و تبرستان و ترکستان شرقی و روم و بلغار میآوردند. سیاه پوستانرا از نوبه، زغاوه زنگبار، از راه حجاز و مصر بهراق میآوردند. بردگان سفید پوست متمدن تر از سیاه پوستان بودند، و از این روی ارباب ها ایشان را بر سیاه پوستان مقدم می داشتند و چون مجبور بودند برای تشدید استثمار غلامان عده می را بسروری دیگران بگماردند، برای اینکار غالبا سفید پوستانرا بسمت استادی می گماردند، و اندک اندک در سده دوم و سوم غلامان سفید پوست که دارای هوش بیشتر بودند بمقامات عالی دربار بگماردند و اولی وضع بندگان سیاه پوست دیگر بود، ایشانرا همیشه بکارهای توان فرسامی گماردند زندگی آنان بارنج و مشقت توأم بود.

شوره زارهای جنوب، گافون رنج سیاه پوستان زنگی

وضع طبیعی جنوب عراق و ایران و سواحل شمال شرقی خلیج فارس و سابقه امتداد خلیج فارس درازمنه قدیم تا حدود شمالی این منطقه و پستی سطح زمین و شبکه تورمانندی از رودخانه های بزرگ و کوچک که در آن است و وجود دو نهر بزرگ فرات و دجله باین سرزمین صفاتی مخصوص بخود بخشیده است.

در عین استعداد کامل برای برداشت محصول زراعتی فراوان يك مانع طبیعی در آن وجود دارد، و آن قشری از شوره است که همه ساله روی زمینها رامیبوشاند و فقط پس از برچیدن آن، زمین قابل استفاده خواهد شد.

۱ - ابن اثیر : ۷ : ۱۸۳ . ۲ - طبقات الاطباء : ۱۴۱ تا ۱۴۵ .

(۳) ترتیب الدول : ۱۰۶ (۴) الفهری ۲۳۴ و تجارب السلف ص ۱۹۸

این کار بسیار سنگین و دشوار و در عین حال بی ارزش را فقط میتوانست نیروی بازوان برتوان و در عین حال بی حقوق بردگان سیاه پوست انجام دهد.

فزونی بردگان اربابانرا برآن داشته بود که گروه گروه ایشانرا مانند گله‌ها بکار شوره رویی و کشت این زمینها بکارند. و از طرفی کثرت روز افزون این بردگان و فراهم آمدن ایشان بگرد یکدیگر در این منطقه و شدت استثمار و وحشیانه اربابان موجب بروز طغیانهای خودبخودی، ورهبری نشده میگردد.

جرجی زیدان گوید: چون بردگان سیاه جنوب دیدند که چگونه بندگان سفید پوست ترک در بغداد بر خلفا مسلط گردیده، و خودرا از زیر فشار بندگی رها نیندند، بفکر اتحاد و نجات افتادند. پس رئیس بر خود گمارده و ده واند سال با دولت عباسی جنگیدند و دو میلیون و نیم نفر انسان در این جنگها بهلاکت رسید. ایشان مانند «بچه» ها در مصر هستند که خواستند قیام کنند ولی نتوانسته شکست خوردند. (۱)

ب- توضیحاتی چند در باره جغرافیای منطقه جنبش زنگی

۱- سواد = عراق: سرزمین بر حاصل و زرخیز میان رودان (۲) را جغرافیادانهای قدیم پس از هند زرخیزترین زمینها دانسته‌اند.

خراج این سرزمین در زمان قباد پسر فیروز صد و پنجاه میلیون درم (۳) بوده است خسرو انوشیروان آنرا به دو بیست و هشتاد و هفت ملیون درم رسانیده بود (۴) شاهان دیگر ساسانی صد و بیست ملیون درم غیر از سه ملیون هدایای شاهانه از آن میگرفتند (۵) در زمان پادشاهان عباسی خراج این سرزمین برقرار زیر بوده است (۶)

بصره پشنهائی ۶/۰۰۰/۰۰۰ درم

همه سواد ۱۶،۴۵۷،۶۵۰ درم

منطقه اهواز ۲۳،۰۰۰،۰۰۰ درم

۲- دورود دجله و فرات: در اینجا نمی‌خواهم و نباید دجله و فرات را بطور کامل معرفی کنم بلکه فقط میخواهم وضع جریان آن دورا در این منطقه روشن نمایم. مجرای دجله در سده سوم هجری غیر از امروز بوده است؛ چون دجله از بغداد بطرف جنوب می‌آمد بتیسفون میرسید و از آنجا بدیر عاقول و سپس به جرجا بوا و جابول و ماذرا یا و از آنجا بطرف باختر گشته بدخانه نهر «صلح» و سپس بواسط و از آنجا در بطایح میریخت و با فرات می‌آمیخت، و در بصره از دجله العوراء (دجله کور) میگذشت و در نزدیکی آبادان بتخلیج فارس میریخت، ولی امروز از ماذرا یا بطرف خاور گشته و سپس بجنوب خاوری میرود. و دوشبه فرات یکی از کوفه و یکی از حله سر ازیر میشود و از مردابها «اهوار» بطایح گذشته و بادجله می‌آمزد.

۳- بطایح = مردابها: زمینهای پستی است که در جنوب عراق قرار دارد، و آب فرات و دجله در آن بهم نزدیک شده و از میان مردابهایی که تشکیل شده میگردد، این مردابها باقیمانده دوره هائیمت که تخلیج فارس تا واسط بین النهرین امتداد داشته، مورخان

- (۱) تمدن اسلامی جرجی زیدان ۵: ۴۸ (۲) نام باستانی بین النهرین و سواد عراق (معجم البلدان - یاقوت) (۳) ابن خرداد به ص ۱۴ (۴) ماوردی ۱۶۵ (۵) ابن قتیبه ۲۰۵. (۶) تمدن جرجی زیدان ۲: ۵۹

قدیم در باره علت اصلی پیدایش این مردابها داستانهای آورده اند، از جمله گویند در روزگار قباد فیروز دجله طغیان کرد و گاهواره خود بشکست و چون بعلت جنگهای داخلی در باره آن کوتاهی شده اطراف را غرق کرد و آبادیها را زیر گرفت، تا آنکه نوشیروان آنرا کرانه بندی کرد، و گهواره اش را بساخت، و دوباره آن نواحی آباد گردید. و در زمان خسرو پرویز باز آب طغیان نمود و سدها بشکست. در آغاز کار مسلمانان توجیهی بآن ننموده. روز بروز مردابها بزرگتر میگردد (۱) و فقط در پایان سده یکم هجری دولت بنی امیه بفکر اصلاح آن افتاد.

ج - توضیحاتی چند در باره برخی وقایع تاریخی

در این قسمت برخی از وقایع تاریخی را که پیش از جنبش زنگیان در این منطقه واقع شده است و تا اندازه ای در این جنبش تاثیر داشته یاد میکنیم:
سالهای ۴۸۷-۴۹۸ م: روزگار پادشاهی قباد بزرگترین واقعه این روزگار جنبش مزدکیان میباشد.

این جنبش که نشانه شدت فشار و تحمل ناپذیری رژیم آن دوره است، در اثر پیوستگی دستگاه و تضادهای داخلی تاحدی پیشرفت نمود، قباد برای درهم شکستن قدرت نامحدود روحانیان تاحدی با ایشان همراهی کرد، ولی عافیت روحانیون پیروز شده قباد را هم خلع کردند. (۲)

سالهای ۵۰۱ - ۵۳۱ م: دوره دوم پادشاهی قباد. در باره ساسانی که بزودی زیان عدم اتعداد و هماهنگی با اشراف و روحانیون را بچشم دید فوراً در صد در رفع سوء عقابم برآمد، قباد دوباره بتخت نشست (۳) ولی کاملاً مطیع روحانیون گردید، و هر دو بر ضد مردم جبهه متحدی تشکیل دادند. در روزگار پادشاهی قباد رود دجله سدها و گهواره خود بشکست مردابها میان واسط و بصره در سرزمین بطایح بوجود آمد، گرفتاری قباد بچنگهای داخلی و روم و هیاطله مانع از رسیدگی بوضع بین النهرین گردید و در نتیجه آبادیهای جنوب عراق و ایران و غرق شد. مورخان اسلام این واقعه را قدیمترین علت پیدایش مردابها در جنوب دانسته اند.

۵۳۱ - ۵۷۹ = ۹۲ - ۴۴ قبل از هجرت: دوره پادشاهی نوشیروان. ابن شاه خونخواز که جنبش ستمدیدگان را با زور سر نیزه فرو نشانید، خود را ناچار دید، برای ادامه وضع موجود با اصلاحات ظاهری دست بزند. از جمله کارهای وی کرانه بندی رود فرات و دجله بود، وی با این کار تا اندازه ای مردابهای جنوب را خشک کرد و آبادیها و کشتزارها پدید آورد، و مرهمی بر زخمهای بزرگران بینکار شده جنوب نهاد.

۶۲۹ م = ۶ ه: در این سال باز آب دجله طغیان کرد، گرفتاری دولت ایران از شکستهای خسرو پرویز و برکناری وی از تخت و تاج، مانع از رسیدگی بدان گردید و مردابها از نو پر و آبادیها ویران گردید. جرجی زیدان نقل از قدامه بن جعفر این واقعه را در زمان خسرو پرویز دانسته ولی میدانیم که خسرو دو سال قبل از این تاریخ یعنی در

(۱) جرجی زیدان منتقل از قدامه بن جعفر ص ۲۴۰. (۲) و (۳) همه کتب

۶۲۷ م از سلطنت معزول گردیده است.

بهر حال از این تاریخ تا یک قرن که حکومت اعراب بصورت يك دولت دارای تشکیلات منظم نبود اوضاع این سامان روز بروز بدتر میشد و بوبرانی آن میافزود .
 ۴۰- ۶۰ هـ : دوره حکومت معاویه با اینکه این سرزمینها در این دوره بصورت مردابها درآمد بود و دولت هیچگونه اصلاحی در آن نمیکرد باز هم خراج سنگین از آن میکرفت ماوردی گوید: و معاویه بوسیله عبدالله شریف دراج پنج ملیون درم از آن خراج میکرفت (۱)

۶۵ هـ : در این سال بیماری و باء در بصره شیوع یافت (۲) پیدا است که این مرض چه بدبختی برای مردم ایجاد کرد که منجر بمصیان پنج سال بعد گردید. ۷۱- ۷۳ هـ : از اواخر دوره مصعب بن زبیر (۶۷-۷۱) زنگیان در اطراف فرات بصره عصیان کرده محصول اربابان را بازداشت کردند. و همچنان بودند تا خالد بن عبدالله بن خالد والی بصره شد و لشکری بسر کوفی ایشان گسیل داشت و سران ایشان را اسیر کرده بدار آویخت. (۳)

۷۵ هـ : چون حجاج پسر یوسف ثقفی از مواجب سرداران عرب بصره بکاست، ایشان بسرداری ابن الجارود بر حجاج شورش کردند زنگیان از این فرصت استفاده کرده بر عصیان خویش افزودند و انبوه ایشان در فرات گرد آمدند و کسی بنام ارباب و ملقب به «شیر زنگی» بر خود امیر کرده شورش آغاز کردند. و چون حجاج شورش ابن الجارود را خاموش کرد بر رئیس شرط (۴) خود در بصره زیادهن عمرو دستور داد تا سپاهی بچنگ ایشان فرستد، زیاد لشکری بسرداری فرزند خویش حفص بسوی آنان گسیل داشت، لشکر حفص در اثر مقاومت شدید زنگیان شکست خورد ولی زنگیان از این پیروزی استفاده نمودند تا زیاد با لشکر دیگری برایشان بتاخت و آنا نرا شکست داد و سران جنبش را تار و مار کرد. (۶)

۸۶- ۹۵ هـ : دوره حکومت حجاج بر عراق و ایران از طرف ولید پسر عبدالملک اموی. قدامه بن جعفر گفته است: در این دوره نیز یک بار نهر فرات کهواره خود بشکست و ویرانی بیار آورد، حجاج بولید نوشت و برای ساختمان آن سه ملیون درم بخواست.

خلیفه که در آغاز از پرداخت چنین مبلغ سنگینی خود داری میکرد در اثر تشویق برادرش مسلمه پسر عبدالملک (۷) رضایت داد و با صرف این مبلغ زمینهای این نواحی آباد کرد و تسو کها (۸) بدست آورد، و دونهر بنام سیب بکند، و کارگران و روستائیان و دهقانان بکار گماشت و مال بسیار بدست آورد (۹).

۱۳۲ هـ : در جنگ میان سپاه عباسیان و امویان بصره دوبار دست بدست شد و ویران

۱- تمدن جرجی زیدان ۴ : ۵۱ - ۲ - طبری ؛ حوادث سال ۶۵ هـ .

۳ - ابن ایشر ۴ : ۱۸۸ حوادث سال ۷۵ - ۴ - پلیس وامنیه

۵ و ۶ ابن ایشر حوادث سال ۷۵ - ۷ - مسلمه برادر خلیفه که بیست که هـ

ساله بچنگ باروم میبرداخت طبری و ابن ایشر سالهای نیمه دوم سده یکم دیده شود .

۸- تسوک که در عربی بصورت طسوج درآمد است : در وزن يك جو يك بیست و چهارم و در زمان = يك بیست و چهارم شبانه روز = يك ساعت، و در درازا = يك بیست و چهارم گز، و در مساحت مقداری زمین قابل کشت را میگفتند .

۹ - قدامه بن جعفر ۲۴۱ بنقل جرجی زیدان

گردید (۱)

۱۴۵هـ: در این سال بردگان سیاه پوست در شهر مدینه عصیان عمومی کردند؛ که مورخان جریانرا چنین آورده اند عبدالله بن ربیع حاکم مدینه چندتن از سران مدینه را بزدان افکند؛ پس بردگان قیام کرده حاکم را از مدینه بیرون کردند و زندانیانرا رها ساختند؛ و چون سران زندانی آزاد شدند با ابن ربیع حاکم سازش کردند و شورش زنگیانرا خاموش کرده دست عده می از سران زنگی را بنام دزد بریدند . (۲) نام سه تن از سران زنگی این جنبش که در تاریخ ثبت شده ، وثیق ، یقل زمه بوده است .

۱۵۱ هـ: در این سال حاکم بحرین بنام-لمیمان پسر حکیم عبدی از اطاعت خلیفه سر پیچید و طغیان نمود ولی شکست خورد و کشته شد (۳) .

۱۶۷ هـ: در این سال اعراب میان بصره و یمامه (سواحل غربی خلیج فارس) شورش کردند و در چند جنگ لشکر مهدی خلیفه را تارومار ساختند ابن اثیر و مؤرخان دیگر شورشیانرا بترک نماز و ارتکاب جنایات متهم کرده اند (۴) طبری خبر و بآه شدید در این سال در بصره را آورده است (۵)

۲۰۴ هـ: در این سال مأمون دستور داد مقاسمه اهل سواد در پنجم باشد و پیش از آن نیمانیم بود (۶) پیداست مأمون که در این سال از خراسان بیقداد آمده با این کار می خواست مرهمی بر جراحات رنجبران این سامان بنهد

۶۸۷

۲۰۶ هـ: طبری گوید: در این سال سدآب تا آجا بالا آمد که سواد را تا حدود کسکر غرق کرد (۷) و پیش از آن گوید مأمون خلیفه دوا دسر ماسجور را برای سرکوبی شورشیان طائفه زط بنواحی بصره فرستاد. این شورش از کوردجله تا بحرین را فرا گرفته بود (۶) چنانکه خواهیم دید طائفه زط پس از این نیز شورشهایی کرده اند.

۲۰۷ هـ: طبری در این سال خبر از قحط و گرانی خواربار میدهد.

۲۱۹ هـ: در این سال طائفه زط در نواحی بصره شورش کردند غلات و محصه لرا ربودند مستعصم خلیفه عباسی سپاهی سرداری عجیب برای سرکوبی ایشان گسیل داشت عجیب با تحمل سختی بسیار و دادن تلفات فراوان و بکار بردن نا کتیکهای نظامی شدید، در هفت ماه شورش ایشانرا خاموش کرد ، در یک جنگ پانصد نفر از این طائفه بکشت و در پایان زطها امان خواسته تسلیم شدند . عجیب همه را خلع اسلحه و روژ عاشوراء سال ۲۲۰ وارد بغداد کرد . رئیس ایشان محمد پسر عثمان و کار گزار او شخصی بنام سماق بود ، عده ایشان از کوچک و بزرگ بیست و هفت هزار تن بود که دوازده هزار شمشیر زن داشتند . عجیب ایشانرا سوار کشتیها کرد و بوقها بدست ایشان داد ، و سه روز در نهر

۱ - طبری و ابن اثیر وقایع اینسال

۲- طبری ۶ : ۲۹۴ . ۳ - ابن اثیر ۶ : ۳۱

۴ - طبری ۶ : ۳۹۰ ۵ - طبری ۷ / ۱۵۶

۶ و ۷ طبری ۷ : ۱۵۹

دجله در میان بغداد گردانید و ایشان بوقهای خود را بسدا در میاوردند و مستعصم از آنها سان میدید . سپس ایشانرا بدست سرداری بنام بشر پسر سمیع سپردند تا از راه خانقین بطرف عین زربه بمرزهای روم رسانید و این مردم را از کشور اسلام بیرون کرد . طبری گوید رومیان نیز باین مردم بی سلاح حمله کرده همه را از دم شیر گذرانیدند و هیچیک از آنان جان بدر نبرد. (۱)

پیش آمد جنبش زطها نشانه دیگر از وضع خراب مردم جنوب عراق در سده سوم میباشد.

۵۲۳۹ هـ : در این سال محمد پسر رجاء حاکم بصره شد و در روزگار حکومت او جنگ و خونریزی میان دو طایفه سمدیان و بلالیان بصره شدت یافت (۲) زدو خورد میان این دو طایفه سابقه داشته و همواره زنگیان از این اختلافات استفاده میکردند .
ابن اثیر گوید در این وقت مردم بصره بر امیر خود ابن رجاء شوریدند و او را بیرون راندند و زندانیان را آزاد ساختند . ۲۵۲ هـ : شورش زنگیان بسرپرستی شریح حبش (ط)

۱- طبری و ابن اثیر در وقایع سال ۲۱۹ . ۲- ابن اثیر و وقایع این سال

ناقوس

بانك ناقوس در دلم برخاست .

من سراسیمه وار و خواب آلود

جستم از جا : چه بود ، آه چه بود ؟

روز شادی است یا نوای عزاست ؟

هیچکس لب پیاسخم نگشود!

باد چنبد و کشته شد فانوس .

شب گرانبار و تیره چون کابوس .

بانك ناقوس در دلم برخاست .

آه ، میپرسم از خود : این چه نواست ؟

از برای که میزند ناقوس ؟